



ارزیابی حجیت فهم سلف بر اساس آیه «السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ»

میثم اورنگی*

چکیده

به اعتقاد سلفیان، سلف به دو قسم «زمانی» و «منهجی» تقسیم‌پذیر است. آنان سه قرن ابتدایی اسلام یعنی صحابه، تابعان و تابعان تابعان را مشتمل بر سلف زمانی و منهجی می‌دانند و افرادی را که به منهج آنان ملتزم بوده‌اند، هرچند در آن محدوده زمانی زندگی نمی‌کردند، «سلفی» می‌خوانند. یکی از مبانی مهم سلفیان «حجیت فهم سلف» است. آنان پیروی از فهم سلف را در عقیده و عمل لازم می‌دانند. آیه ۱۰۰ سوره توبه از ادله قرآنی آنان بر حجیت فهم سلف است که با اشکالات فراوانی از درون خود آیه، آیات دیگر و همچنین روایات مواجه است؛ از این رو، آیه مذکور قدرت اثبات مدعای سلفیان بر حجیت فهم سلف را ندارد. در این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی و نقد دیدگاه سلفیان درباره آیه ۱۰۰ سوره توبه می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: سابقون، تابعان، رضایت، فهم سلف، حجیت فهم سلف، سلفیت.

* دانشجوی دکتری دانشگاه معارف، کارشناسی ارشد مؤسسه امام صادق علیه السلام و سطح ۴ حوزه علمیه قم.

مقدمه

گروه‌های سلفی داعیه‌دارِ تبعیت از سلف هستند و به پیروی از ابن تیمیه و شاگردانش، به فهم سلف استدلال می‌کنند. آنان معتقدند که فهم سلف بر فهم خلف مقدم است و خود را، تنها پیروانِ راستین صحابه و تابعان می‌پندارند. سلفیان به دلایلی همچون اولویت بخشی به فهم خلف و نادیده گرفتن فهم سلف، مذاهب کلامی اهل سنت اعم از اشاعره، ماتریدیه و مذاهب فقهی چهارگانه را اهل بدعت می‌خوانند. آیه ۱۰۰ سوره توبه از مستندهای قرآنی سلفیان بر حجیت فهم سلف است. آنان به تکاپو افتاده‌اند تا با آیه *«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ»* و عبارت *«وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ»* حجیت فهم سه قرن ابتدایی اسلام را ثابت کنند. «حجیت فهم سلف»، عبارتی پرتکرار در ادبیات سلفیان است که نشان از جایگاه تأثیرگذار آن بر تفکر سلفیت به عنوان مهم‌ترین استراتژی آنان دارد. از سوی دیگر، این عبارت پرتکرار، در قاموس فکری اندیشمندان اسلامی اعم از سنی و شیعه نیز کاربردی جدی دارد؛ هرچند سلفیان معاصر با تأثیرپذیری از تفکرات ابن تیمیه در دهه‌های اخیر، نسبت به گذشتگان کارایی چشمگیری داشته‌اند. اعطای مرجعیت مطلق به سلف از سوی سلفیان، مهم‌ترین راهکار در حجیت بخشی به سلف است. اصطلاحاتی همچون «انسداد باب علم»، «جمود در عمل»، «پرهیز از عقل‌گرایی» و «پذیرش ظاهرگرایی مطلق» از جدی‌ترین علل این چالش امروز جهان اسلام است که ریشه در این اندیشه دارد؛ لذا برای روشن شدنِ صحت و سقم این ادعا، بررسی ادله ایشان در این مسئله ضروری به نظر می‌رسد.

تحقیقات درباره بررسی و نقد مسئله حجیت فهم سلف بسیار محدود و به صورت کلی انجام شده است؛ از این رو، نگارنده بر آن شد تا به واکاوی ادله سلفیان بر حجیت فهم سلف، با تأکید بر آیه ۱۰۰ سوره توبه بپردازد. از کتاب‌هایی که در این رابطه به رشته تحریر درآمده است، می‌توان به مواردی همچون کتاب *قراءة في الأدلة السلفية* نوشته مروان خلیفات، کتاب *السلفية مرحلة زمنية مباركة لا مذهب إسلامي* نوشته رمضان بوٹی و همچنین برخی تقریرات فرحان مالکی اشاره کرد. با توجه به مقدمه‌ای که

گذشت، در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی، به بررسی و نقد دیدگاه سلفیان در سه محور پرداخته خواهد شد:

۱. تبیین و توضیح واژه سلف و فهم سلف؛
۲. تبیین حجیت فهم سلف با توجه به آیه «السابقون الاولون» از دیدگاه سلفیان؛
۳. بررسی و نقد ادله سلفیان در تمسک به آیه مذکور در حجیت فهم سلف.

سلف

واژه «سلف» در میان شیعه و سنی دارای بار معنایی متفاوتی است. در تبیین این واژه بررسی دو مؤلفه «محدوده زمانی» و «منهج سلف» بسیار مهم است.

در رابطه با مقطع زمانی سلف، چهار نظر وجود دارد: ۱. صحابه؛ ۲. صحابه و تابعان؛ ۳. صحابه، تابعان و تابعان تابعان؛^۱ ۴. مسلمانان قبل از قرن پنجم هجری.^۲

افراد هم چون شوکانی، سفارینی و ابن تیمیه با توجه به روایت خیر القرون،^۳ سلف را در افراد سه قرن ابتدایی اسلام یعنی صحابه، تابعان و تابعان تابعان منحصر می کنند. سلفیان نیز همین نظریه را به عنوان رأی مختار قبول دارند.^۴ در اینکه مراد از سه قرن اول چه کسانی هستند، اختلاف نظر وجود دارد. برخی علمای اهل سنت مجموعه افراد سه قرن اول را در نظر دارند و منظورشان این است که هر چند در آن سه قرن، افراد منحرفی زندگی می کردند، اما مجموعه افراد آن زمان، بر طریق هدایت و نجات بوده اند و

۱. «هم جمهور أهل القرون الثلاثة المفضلة من الصحابه و التابعين و تابع التابعين الذين شهد لهم النبي ﷺ بالخيرية و هذا هو المقصود بالسلف في هذا المبحث». (دمیجی، عبدالله، فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية؛ حقیقت و اهمیت و حجیت، ص ۱۷).

۲. محمد باکریم محمد باعبدالله، وسطية أهل السنة بين الفرق، ص ۹۷.

این قول، متعلق به بیجوری در کتاب تحفة المرید شرح جوهرة التوحید است. بیجوری به دلیل اینکه از علمای اشاعره است، این قول را تا قرن پنجم امتداد داده است تا علمای اشاعره را نیز شامل شود. (محمد باکریم محمد باعبدالله، وسطية أهل السنة بين الفرق، ص ۹۹).

۳. «پیامبر ﷺ فرمودند: بهترین مردم، مردمان قرن من هستند. سپس کسانی که در پی ایشان می آیند و سپس دیگرانی که در پی آنان می آیند». (بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۷۴؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۶۳).

۴. محمد باکریم محمد باعبدالله، وسطية أهل السنة بين الفرق، ص ۹۸؛ بوطنی، محمد سعید رمضان، السلفية، ص ۹.

فهم آنها حجت است.^۱ اما سلفیان قائل اند که تک تک افراد سه قرن اول اسلام مدنظر هستند و منظور از برتری فهم یعنی برتری فهم تمام افرادی که در سه قرن ابتدایی بودند.^۲

مباحث و افکار جدیدی از سوی ابن تیمیه در قرن هفتم مطرح شد که مسیر سلفیان را در نیل به اهدافشان مساعد می کرد؛ از این رو، آنان برای تقدس بخشیدن و پیروی محض از افکار افرادی همچون ابن تیمیه، بحث منهیج سلف را مطرح کردند. آنان سلف را به دو قسم «سلف زمانی» و «سلف منهجی» تقسیم می کنند و معتقدند که سلف زمانی و منهجی مسلماً بر سه قرن ابتدایی اسلام اطلاق می شود؛ اما انحصار این معنا در سه قرن اول را کافی نمی دانند. از این رو، آنان معتقدند هرکسی که به منهج سلف ملتزم باشد، سلفی است؛ ولو اینکه در قرن های متأخر باشد. بر همین اساس، افرادی همچون ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب را جزء سلف می شمارند و هر شخصی را که بر مذهب سلف سه قرن ابتدایی اسلام و مذهب افرادی همچون ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب ملتزم باشد، سلفی می دانند.^۳ با توجه به این معنا، هر مجتهد و امامی که بر امامت مش اتفقا نظر وجود دارد، در هر زمانی که زندگی کند ولو اینکه از صحابه و تابعان و تابعان تابعان نباشد، جزء سلف محسوب می شود.^۴

۱. شوکانی، محمد بن علی، التحف في مذاهب السلف، ص ۳۶. محمد باکریم محمد باعبدالله، وسطية أهل السنة بين الفرق، ص ۹۸.

۲. سلیم، عمرو عبدالمنعم، المنهج السلفي عند الشيخ ناصر الدين الألباني، ص ۱۱؛ خراشی، سلیمان بن صالح، شبهات عصرية مع أجوبتها، ص ۱۶؛ بوطی، محمد سعید رمضان، السلفية، ص ۱۰.

۳. «فمن التزمه فهو سلفي و ان كان في العصور المتأخرة فاطلقت الدعوة السلفية على دعوة شيخ الإسلام ابن تيمية و تلامذته و على دعوة الإمام محمد بن عبد الوهاب و اتباعه و على كل من اتبع المنهج من المتقدمين و المتأخرين ممن أحيى سنة السلف المتقدمين و دعا الإلتزام بما كانوا عليه من الفهم و العمل و الإعتقاد». (دميجی، عبدالله، فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية؛ حقیقته و اهمیت و حجیت، ص ۱۰۹).

۴. «اصطلح العلماء على أن السلف اسم لكل من يقلد مذهبه في الدين و يتبع أثره كأبي حنيفة و مالك و الشافعي و ابن حنبل؛ فإنهم سلف لنا، و اما الصحابة و التابعون فإنهم سلف لهم... و على هذا يدخل في السلف كل مجتهد من علماء الإسلام في أي عصر من العصور حتى و لو لم يكن من الصحابة أو التابعين أو تابعي التابعين». (نک: سیلی، سید عبدالعزیز، العقيدة السلفية، ص ۲۵ و ۲۶).

«فالمراد بمذهب السلف: ما كان عليه الصحابة الكرام رضوان الله عليهم و التابعون لهم باحسان إلى يوم الدين و اتباعهم و ائمة الدين ممن شهد له بالإمامة». (نک: آل بوطامی، احمد، العقائد السلفية بأدلتها النقلية و العقلية، ص ۱۱؛ یسری، محمد،

با توجه به اشکالات فراوان و تعارض‌های تاریخی و قرآنی، سلفیان مجبور شدند اعتراف کنند که در حجیت و برتری فهم سلف، بسنده کردن به بسته زمانی سه قرن اول کافی نیست؛ زیرا در این سه قرن، فرقه‌های منحرفی همچون خوارج، مرجئه و قدریه وجود داشته‌اند. بنابراین، آنان بابتی را تحت عنوان «لیس السبق الزمینی کافیا فی تعیین سلف» مطرح کرده و عنوان سلف را به «سلف صالح» مقید نموده‌اند.^۱ البته انحصار سلف به قرون ثلاثه و تقسیم آنها به «سلف صالح» و «سلف طالح»^۲ اشتباهی بزرگ است؛ زیرا در این انحصار و تقسیم‌بندی، عمل به اوامر و نواهی الهی مدنظر نبوده، بلکه معیار این تقسیم‌بندی خصومت‌ها و دشمنی‌های مذهبی بوده است. لذاست که دیده می‌شود فرد کذاب و فاجر به‌خاطر هم‌مذهب بودن، توثیق می‌شود و فرد صادق و موثق به‌دلیل هم‌مذهب و هم‌مسلك نبودن، تقبیح می‌شود؛ بنابراین انگیزه و ضابطه در این باره «مذهب» و «تعصب» است، نه «التزام به اوامر و نواهی الهی».^۳

از طرفی جای این سؤال وجود دارد که اگر ملاک و ضابطه برای حجیت فهم سلف مطابقت با کتاب و سنت پیامبر ﷺ است، به چه دلیلی باید حجیت فهم را در فهم سلف منحصر کنیم، بلکه باید فهم هرکسی را که بر کتاب و سنت منطبق باشد، حجت دانست. ادعای حجیت فهم سلف در حالی از سوی سلفیان مطرح می‌شود که در هیچ‌یک از آیات قرآن به آن اشاره نشده است. خداوند در هنگام اختلاف، مردم را به خدا و رسولش ارجاع داده است^۴ و درباره سلف و حجیت فهم آنها سخنی به میان نیاورده است.^۵ از طرفی، حجیت فهم سلف از سوی خود سلف هم ادعا نشده است و کسی از آنان مدعی چنین مسئله‌ای نیست؛ بلکه برخلاف آنچه سلفیان می‌گویند، سلف در بسیاری از

→ علم التوحید عند أهل السنة و الجماعة، ص ۴۷؛ محمد باکریم محمد باعبدالله، وسطیة أهل السنة بین الفرق، ص ۱۰۱؛ بریکان، ابراهیم، تعریف الخلف بمنهج السلف، ص ۱۲).

۱. دمیحی، عبدالله، فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية؛ حقیقت و اهمیت و حجیت، ص ۱۹؛ محمد باکریم محمد باعبدالله، وسطیة أهل السنة بین الفرق، ص ۱۰۰.

۲. به‌معنای سلف غیر صالح.

۳. مالکی، حسن، قراءة فی کتب العقائد، ص ۳۵.

۴. سورة نساء، آیه ۵۹: ﴿فان تنازعتم فی شی فردوه الی الله و الی الرسول...﴾.

۵. سقاف، حسن بن علی، صحیح شرح العقیة الطحاویة، ص ۱۲.

مسائل اعتقادی و فقهی با یکدیگر اختلاف داشته و دارای مذهب واحد و معروفی نبوده‌اند تا اطلاق مذهب سلف یا فهم سلف بر آنان، صحیح باشد.^۱

فهم سلف

پیروی از فهم سلف یکی از مبانی فکری سلفیان است. آنان معتقدند که سلف صالح به دلیل عواملی همچون سلامت نفس در دریافت نصوص، حریص بودن بر یادگیری، قربت با پیامبر ﷺ و نزدیک بودن به زمان نزول قرآن، اتم و احکم و اعلم و اسلم است.^۲ از این رو، آنان در تمامی مسائل اعم از مسائل اعتقادی و غیراعتقادی، فهم سلف را بهترین معیار بعد از قرآن و سنت می‌دانند و هرگونه عدول از این مبنا را جایز نمی‌دانند.^۳ هرچند این نظر را برخی از اصحاب حدیث مطرح کرده‌اند، اما اساس این بحث را ابن تیمیه پایه‌ریزی کرده است. ابن تیمیه خود را به‌عنوان پیرو سلف معرفی می‌نماید و این‌گونه تحدی می‌کند:

من به کسانی که در پذیرش عقیده سلف صالح با من مخالفت می‌کنند، سه سال مهلت می‌دهم. اگر یک حرف از بزرگان سه قرن گذشته آوردند که با مطالبی که من بیان می‌کنم، مخالفت داشت، از حرف‌های خود برمی‌گردم.^۴

وی همچنین معتقد است که به دلیل حق بودن، پیروی از فهم سلف واجب است^۵ و تبعیت از سلف را باطناً و ظاهراً از اصول مذهب می‌شمارد.^۶ به‌باور سلفیه، حجیت فهم سلف یعنی هر آنچه از مسائل اعتقادی و غیراعتقادی که صحابه و تابعان و

۱. «و إن قصدوا اتباع فهم أفراد السلف فيما لم يختلفوا فيه، قيل لهم اختلافهم في الفهم دليل على أن فهمهم يخطي و يصيب؟». (نک: همان).

۲. «أن السلف غیر متفقین في فهم المسائل فلیس لهم مذهب موحد معروف حتی یصح أن یقال مذهب السلف أو فهم السلف». (همان، ص ۸).

۳. مغراوی، محمد بن عبدالرحمن، المفسرون، ص ۵۹ تا ۸۰؛ محمد باکریم محمد باعدالله، وسطیة أهل السنة بین الفرق، ص ۱۰۵ و ۱۰۶؛ دمیجی، عبدالله، فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية؛ حقیقتة و أهمیته و حجیته، ص ۳۴.

۴. دمیجی، عبدالله، فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية؛ حقیقتة و أهمیته و حجیته، ص ۲۵.

۵. «قد امهلت من خالفني في شيء منها - یعنی عقیده السلف الصالح - ثلاث سنين، فان جاء بحرف واحد عن القرون الثلاثة يخالف ما ذكرته فانا راجع عن ذلك». (نک: ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۳، ص ۱۹۷).

۶. همان، ج ۴، ص ۱۴۹.

۷. همان، ج ۳، ص ۱۵۷.

تابعانِ تابعان از مجموع مراد خداوند و پیامبر ﷺ فهمیده و استنباط کرده باشند، حجت است؛^۱ به گونه‌ای که فهم صحیح معارف اسلامی را بدون استفاده از فهم سلف، ممکن نمی‌دانند.^۲ به همین جهت است که مصادر اسلام را قرآن، سنت و اجماع امت بر اساس فهم سلف می‌دانند.^۳

ادعای سلفیان

یکی از آیات مورد استناد سلفیان برای اثبات برتری فهم سلف، آیه ۱۰۰ سوره توبه است. در این آیه، خداوند متعال در رابطه با مهاجران و انصار می‌فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛

و پیشروان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که آنان را به نیکی پیروی کردند، خدا از آنان راضی است و ایشان نیز از خدا راضی هستند. خداوند برای ایشان بهشت‌هایی آماده کرده که در دامنه آنها جوی‌هایی روان است و تا ابد در آن جاودان‌اند و این خود کامیابی بزرگی است.

سلفیان معتقدند خداوند در این آیه، تابعان را به تبعیت از سابقان امر کرده است و امر به تبعیت نیز بیانگر صحت عملکرد سابقان است. از طرفی دیگر، آنان به دلیل اینکه عمل متفرع بر فهم است، فهم سلف را صحیح و بدون خطا انگاشته‌اند و هرگونه مخالفت با قول، فعل، تقریر و فهم آنان را جایز نمی‌دانند. سلفی‌ها با توجه به این آیه در پی اثبات برتری فهم سلف و بطلان مخالفت با فهم آنان هستند؛ از این رو، فهم سلف بر خلف را در عقیده و عمل حجت می‌دانند^۴ و تبعیت از آن را واجب می‌شمارند.^۱

۱. «اینکه فهم سلف به چه طریقی به ما رسیده باشد، تأثیری در حجیت فهم آنان ندارد؛ بنابراین فهم سلف حجت است؛ چه به وسیله قول به ما رسیده باشد، چه به وسیله فعل و چه به وسیله تقریر». (دمیجی، عبدالله، فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية؛ حقیقت و اهمیت و حجیت، ص ۲۴).

۲. خراشی، سلیمان بن صالح، شبهات عصرائیه مع أجوبتها، ص ۵۳.

۳. مجلة الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، ج ۳۹، ص ۳۷۲؛ ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، إعلام المؤمنین، ج ۴، ص ۹۰.

۴. «الإتباع شامل للإعتقاد والعمل المبني على صحة الفهم. و هذا المدح يتضمن صحة ما كانوا عليه من ذلك كما دلت

بررسی و نقد ادعای سلفیان

در این بخش از مقاله، به بررسی و نقد قسمت‌های مورداستشهاد سلفیان بر حجیت فهم سلف در آیه ۱۰۰ سوره توبه می‌پردازیم:

۱. اخص بودن دلیل از مدعا

در این آیه، خداوند به مدح «السابقون الاولون» و «الذین اتبعوهم باحسان» پرداخته^۲ و در این آیه، «الاولون» وصف برای «السابقون» است. مفسران در رابطه با مصداق «السابقون الاولون» هفت دیدگاه ارائه کرده‌اند که این دیدگاه‌ها عبارت‌اند از:

۱. اهل بیعت رضوان؛^۳ ۲. تمام مسلمانانی که به دو قبله نماز خواندند؛^۴
۳. شرکت‌کنندگان در جنگ بدر؛^۵ ۴. همه صحابه‌ای که با پیامبر ﷺ هم صحبت شدند؛^۶
۵. کسانی که در ثواب و شهادت سبقت گرفتند؛^۷ ۶. کسانی که قبل از هجرت پیامبر اسلام ﷺ آوردند؛^۸ ۷. ابوبکر، عمر، عثمان، امام علی علیه السلام، سلمان و عمار.^۹

به دلیل اینکه «السابقون الاولون» مجمل و دارای مصادیق متعددی است، برای رفع این اجمال، به مهاجران و انصار متصف شده است؛ لذا معنای آیه پیشی‌گیرندگانی است

بالمفهوم علی بطلان ما خالفهم فی ذلك فدلّت علی أنّ فهمهم حجة علی من بعدهم فی المسائل العقیدة و العمل». (نک: دمیحی، عبدالله، فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية: حقیقت و اهمیت و حجیت، ص ۵۳).

۱. سعیدان، ولید بن راشد، تذکیر الخلف بوجوب اعتماد فهم السلف لأدلة الكتاب و السنة، ص ۹.
۲. بر اساس برخی قرائت‌های قرآن «واو» در عبارت «الذین اتبعوهم باحسان» وجود ندارد؛ بنابراین، آیه تنها در مدح «السابقون الاولون» است. (نک: سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ذیل آیه ۱۰۰ سوره توبه؛ فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۱۶، ص ۱۲۹؛ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۴، ص ۴۳۸).
۳. «خواه بیعت کرده باشند یا فقط بیعت را درک کرده باشند». (نک: طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۴، ص ۴۳۴؛ فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۱۶، ص ۱۲۷).
۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۴، ص ۲۶۹؛ فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۱۶، ص ۱۲۷.
۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۴، ص ۴۳۷؛ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۴، ص ۲۶۹؛ فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۱۶، ص ۱۲۷.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۲، ص ۲۹۱.
۷. همان.
۸. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، تفسیر القشیری، ج ۳، ص ۱۸۰؛ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۴، ص ۲۶۹.

که از مهاجران و انصار بودند.^۱ «مهاجران» افرادی هستند که همراه پیامبر ﷺ قوم و وطن خود را رها کردند و از مکه به مدینه مهاجرت نمودند. «انصار» نیز کسانی هستند که پیامبر ﷺ را در مقابل دشمنان خدا در مدینه یاری کردند.^۲ آنچه در علت رضایت خداوند از این دو گروه بیان شده، این است که مهاجران برخلاف طبع و عادتشان برای آرامش دادن به قلب پیامبر ﷺ هجرت کردند و انصار نیز برای یاری رساندن به پیامبر ﷺ در مقابل دشمنان مورد مدح و ستایش قرار گرفتند.^۳

دومین گروهی که این آیه به مدح آنها می‌پردازد «والذین اتبعوهم باحسان» است. اینان افرادی هستند که راه سابقان از مهاجران و انصار را در ایمان به خدا و رسولش برای جلب رضایت الهی پیمودند.^۴ خداوند در ادامه، رضایت از دو گروه را در صورتی می‌پذیرد که اوامر و نواهی او را اطاعت کرده باشند و می‌فرماید که اگر آنها اطاعت الهی را به نحو احسن انجام دهند، سرانجام آنها بهشت ابدی خواهد بود.^۵ بنابراین، آنچه از قراین و سیاق آیه حاصل می‌شود این است که خداوند گروه خاصی از سلف را با شرایط و ضوابطی معین مدح و ستایش کرده است و نمی‌توان مدح را برای عموم آنان نتیجه گرفت.

الف. قراین داخلی در آیه

با توجه به مفاد آیه، عدم شمول آیه بر تمام افراد سه قرن ابتدایی، به سه دلیل ثابت است: **اولاً:** سلفیان حجیت فهم سه قرن ابتدایی اسلام را حجت می‌دانند، در حالی که مدعای آنان اعم از دلیل آنهاست؛ بدین معنا که «الاولون» وصف برای «السابقون» است و اگر «الاولون» را به هر کدام از معانی هفت‌گانه تفسیر کنیم، دایره پیشی‌گیرندگان محدود می‌شود. اگر هم فرض کنیم «السابقون الاولون» دربرگیرنده تمام صحابه، و «الذین

۱. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۱۶، ص ۱۲۷.

۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۴، ص ۳۴۴.

۳. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۱۶، ص ۱۲۷.

۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۴، ص ۴۳۴.

۵. همان، ص ۴۳۹؛ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۴، ص ۲۶۹.

اتبوعوم باحسان» نیز شامل تابعان می‌شود، بازهم آیه مُثَبِت مدعای آنها نیست؛ زیرا شامل اَتَبَاعِ تابعان نمی‌شود. بنابراین، صرف سبقت زمانی بر خلف در مصاحبت با پیغمبر ﷺ، دلیل بر حجیت فهم آنها نیست؛ چراکه در میان سلف افراد صالح و افراد طالح وجود داشته‌اند. لذا آنچه با مفاد آیه سازگار است، این است که گفته شود تبعیت از صالحان از سابقان تا زمانی صحیح است که بر عهد خود با پیامبر ﷺ پایبند باشند، نه مطلق تبعیت از تمام سلف.^۱

ثانیاً: مطلب دیگری که فارغ از معنای «سبقت»، سلفیان به آن احتجاج می‌کنند، این است که «من» در این آیه «بیانیه» است، نه «تبعییه» و این آیه را شامل تمام صحابه می‌دانند؛ لذا این گونه استنباط می‌کنند که خداوند فهم تمام «السابقون» را، که همان صحابه هستند، حجت می‌داند.^۲ این مسئله در حالی مطرح می‌شود که هیچ‌یک از مفسران، «السابقون الاولون» را بر تمام صحابه تطبیق نداده است و بر فرض اینکه «من» را هم بیانیه بگیریم، مُثَبِت مدعای سلفیان در برتری فهم سلف نیست؛ زیرا علاوه بر ادله معارضی همچون اختلاف فهم سلف با یکدیگر، پیامبر ﷺ نیز فهم سلف را در برخی موارد رد کرده‌اند. چگونه فهم تمام سلف می‌تواند حجت باشد، در حالی که خود سلف با یکدیگر مخالف بودند؟^۳ در جنگ جمل که عایشه، طلحه، زبیر و بسیاری از سلف در مقابل امام علی علیه السلام قرار گرفتند، فهم کدام گروه درست بود؟ این چه برتری و حجیت فهمی است که به قتل خود حکم می‌کنند؟ آیا فهم عایشه از دین بهتر بود که مردم را به قتل عثمان تشویق می‌کرد و می‌گفت: «اقتلوا نعثلاً»،^۴ یا اینکه فهم امیرالمؤمنین علیه السلام که با قتل عثمان مخالف بودند؟^۵ آیا در جنگ صفین فهم معاویه برتر بود

۱. مالکی، حسن، قراءة في كتب العقائد، ص ۳۵ و ص ۱۵۹ تا ۱۶۲. نک: سقاف، حسن بن علی، صحیح شرح العقيدة الطحاوية، ص ۶۶۹.

۲. سعیدان، ولید بن راشد، تذکیر الخلف بوجوب اعتماد فهم السلف لأدلة الكتاب و السنة، ص ۸؛ دمیجی، عبدالله، شبهات العصرانيين الإسلاميين، ص ۴۸ و ۴۹؛ ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۲ ص ۲۹۱.

۳. سقاف، حسن بن علی، صحیح شرح العقيدة الطحاوية، ص ۲۱۶.

۴. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، الإمامة و السياسة، ج ۱، ص ۴۸.

۵. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ج ۵، ص ۵۶۱.

که صحابی پیامبر ﷺ یعنی عمار را به شهادت رساند یا فهم علی علیه السلام؟^۱

بنابراین، باید گفت نه تنها فهم سلف برتری ندارد، بلکه بسیاری از سلف از دایره «رضی الله ورضوا عنهم» خارج شدند و صرفاً عده کمی که در سبقت خود پایدار ماندند، رضایت الهی را به دنبال دارند و این رضایت هم هیچ تلازمی با حجیت فهم آنها ندارد. از قید «باحسان» نیز نمی‌توان این نکته را استنباط کرد که تمام اعمال سابقان حسن بوده است؛ بلکه مراد از «اتبعوهم باحسان»، تبعیت از آنان در اعمال حسن است، نه تبعیت از تمام اعمال آنان.^۲ لذا با این بیانی که گفته شد، فهمیده می‌شود که «مِن» در آیه مورد نظر، «تبعیضیه» است، نه «بیانیه».^۳

ثالثاً: تقسیم مردم در زمان پیغمبر ﷺ به مهاجر و انصار، تقسیم دینی و مذهبی نیست که در نتیجه آن بتوان بار معنایی مثبتی را بر آن حمل کرد؛ بلکه صرفاً وصفی است برای برخی از افراد، به خاطر پیشبرد اهداف اجتماعی. به همین جهت پیغمبر ﷺ آنها را از اینکه به این اوصاف تفاخر کنند، نهی می‌کردند و اگر در مشاجره‌ای همدیگر را با عبارت «یا للمهاجرین» یا «یا للأنصار» صدا می‌زدند، حضرت می‌فرمودند که چرا به رسم جاهلی با یکدیگر برخورد می‌کنید! ایشان می‌فرمودند: «ما بال دعوی الجاهلیة دعوها فإنها منتنة».^۴ از این مطلب فهمیده می‌شود که اولاً: الفاظ «مهاجر» و «انصار» هیچ مزیتی بر دیگری ندارند و فقط لقبی اجتماعی هستند؛ و ثانیاً: مهاجران و انصار با یکدیگر اختلاف داشتند. پس چگونه می‌شود که فهم آنها حجت باشد؟

ب. قراین خارجی در آیه

با توجه به قراین خارج از آیه می‌توان اثبات کرد که این آیه، مدعای سلفیان مبنی بر حجیت فهم تمام سلف را ثابت نمی‌کند.

اولاً: با توجه با آیات دیگر می‌توان فهمید که مراد از «سبقت»، تداوم در طاعت و

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۹۷.

۲. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، ج ۲، ص ۴۵۶.

۳. همان، ص ۴۵۲.

۴. مالکی، حسن، قراءة في كتب العقائد، ص ۱۶۴.

پیروی از پیامبر ﷺ است؛ یعنی خداوند از کسانی راضی است که در اطاعتِ اوامرِ پیامبر ﷺ بر دیگران پیشی گرفتند.^۱ لذا معنایی که از سبقت باید ارائه کرد، غیر از معنای «سبقت در اسلام» است؛ زیرا طبق آیاتی همچون آیه ﴿قُلْ لَمْ تُوْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا﴾^۲ و آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا﴾،^۳ نه تنها سبقت در اسلام ملاک نیست، بلکه خداوند افرادی را که صرفاً اسلام آورده‌اند، سرزنش می‌کند. از سویی دیگر، بر طبق آیات قرآن سبقت در خیرات و اعمال نیک ملاک است. خداوند در آیه ۳۲ سوره فاطر می‌فرماید:

﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُاذِنُ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾؛^۴

سپس کتاب را به برگزیدگان از بندگانش دادیم؛ پس، از ایشان کسانی هستند که به خودشان ظلم نموده‌اند و از ایشان اند میانه‌روها و از ایشان اند کسانی که به‌سوی نیکی‌ها با اجازه پروردگارشان سبقت می‌جویند. این همان فضل بزرگ است.

ثانیاً: خداوند در ادامه آیه موردنظر از سوره توبه، گروهی از منافقان را که در میان

سلف بوده‌اند، ذکر می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا يَتْلَوْنَهُمُ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ﴾؛^۵

آگاه باشید که بعضی اعراب مدینه منافق‌اند و بعضی از اهل شهر مدینه نیز منافق‌اند و بر این نفاق ثابت‌اند و شما از نفاقشان آگاه نیستید. ما بر سیرت این منافقان آگاه هستیم و آنها را دو بار عذاب خواهیم کرد.

همچنین خداوند در آیه ابتدایی سوره منافقون می‌فرماید:

﴿إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا تَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ﴾؛^۵

منافقان چون نزد تو آیند، گویند: «گواهی می‌دهیم که تو پیامبر خدا هستی». خداوند می‌داند که تو پیامبرش هستی و خداوند گواهی می‌دهد که منافقان

۱. علم‌الهدی، علی بن حسین، رسائل، ج ۳، ص ۸۸.

۲. سوره حجرات، آیه ۱۴.

۳. سوره نساء، آیه ۱۳۶.

۴. سوره توبه، آیه ۱۰۱.

۵. سوره توبه، آیه ۶۴؛ سوره احزاب، آیه ۱۲.

دروغ گو هستند.

حتی بالاتر از این مطلب، برخی از سلف در آیات متعددی از قرآن، مورد مذمت قرار گرفته‌اند.^۱ با توجه به آنچه از آیات بیان شد، چگونه امکان دارد که «فهم سلف» به‌طور مطلق حجت باشد و بر تمام فهم قرون برتری داشته باشد؟!

ج. قرینه روایی

روایات بسیاری نیز وجود دارد که با ادعای سلفیان مبنی بر حجیت و برتری فهم سلف مخالف است. ترمذی از انس نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمودند: «امت من مثل باران است که نمی‌فهمید اول آن خیر است یا آخر آن».^۲ همچنین در روایت دیگری نقل شده است که صحابه از پیامبر ﷺ پرسیدند: «آیا کسی بهتر از ما هست؟» ایشان فرمودند: قومی بعد از شما خواهند آمد که فقط کتابی را که بین دو جلد است می‌بینند. به درون و محتوای آن کتاب و همچنین به من ایمان می‌آورند؛ در حالی که مرا ندیده‌اند. آنچه را من آورده‌ام، تصدیق می‌کنند و به آن علم پیدا می‌کنند. این قوم بهتر از شما هستند.^۳

این روایات و سایر احادیث مرتبط، نه تنها فهم سلف را به‌طور مطلق حجت نمی‌داند، بلکه فضل خلف بر برخی از سلف را نشان می‌دهد.^۴

۲. مراد از «تابعین» در آیه

تبعیت موردنظر در آیه را می‌توان به سه نوع تبعیت حمل کرد: ۱. تبعیت و اقتدا در اعمال حسن؛ ۲. تبعیت از اهل ایمان سلف؛ ۳. تبعیت در استقامت سلف و راهی که آنان با تحمل سختی‌ها سیر کردند.

۱. سوره مائده، آیه ۵۴؛ سوره محمد، آیه ۳۸؛ سوره آل عمران، آیه ۱۴۴؛ سوره تحریم، آیه ۴؛ سوره نور، آیه ۱۱.

۲. «قال رسول الله ﷺ: مثل أمي مثل المطر لا يدري أوله خير أم آخره». (ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۴۹).

۳. «قَالَ: قَوْمٌ يَجِيئُونَ مِنْ بَعْدِكُمْ فَيَجِدُونَ كِتَابًا بَيْنَ لَوْحَيْنِ يُؤْمِنُونَ بِمَا فِيهِ وَ يُؤْمِنُونَ بِي وَ لَمْ يَرَوْنِي وَ يَصَدِّقُونَ بِمَا جِئْتُ بِهِ وَ يَعْمَلُونَ بِهِ فَهُمْ خَيْرٌ مِنْكُمْ. فَقَدْ أَخْبَرَ ﷺ أَنَّ فِي آخِرِ أُمَّتِهِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْ بَعْضِ مَنْ صَحَبَهُ. وَ هَذَا الْحَدِيثُ زَوَاهُ حَمْرَةُ بِنْتُ رَبِيعَةَ عَنْ مَرْزُوقٍ عَنْ نَافِعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ أَبِي جُمُعَةَ وَ كُلُّهُمْ ثِقَاتٌ». (ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله، الإستهذكار، ج ۱، ص ۱۸۸).

۴. همان.

از هیچ کدام از این سه معنا، لزوم تبعیت از فهم سلف اثبات نمی‌شود. نهایت چیزی که می‌توان از تبعیت سلف به دست آورد، تبعیت در اعمال حسن است، و از طرفی، باید حُسن و قبح عمل را از نص به دست آورد، نه از فهم و عمل سلف؛ چراکه وقتی خداوند تبعیت را به عملِ حَسَن مقید می‌کند و این تقیید دلالت دارد بر اینکه از آنها عمل غیرحَسَن نیز صادر شده است. پس تنها ملاک پذیرش معارف «نصوص» است، نه فهم سلف.^۱

علاوه بر اختلاف در مصداق «تبعیت»، در معنای «تابعان» نیز میان علما اختلاف وجود دارد. ابن جوزی در این باره گفته است که اگر منظور از «سابقان» تمام صحابه باشند، معلوم می‌شود که مراد از «تابعان» تابعانِ اصطلاحی است؛ یعنی افرادی که بعد از صحابه آمدند. وی ادامه می‌دهد که اگر منظور از «سابقان» مقدمات از صحابه باشند، مراد از «تابعان» نیز تمام کسانی است که سابقه سبقت ندارند؛ اعم از اینکه صحابه یا غیر صحابه باشند.^۲ برخی معنای «تابعان» را «مطلق مسلمانان تا روز قیامت» می‌دانند؛ یعنی هم شامل تابعانِ اصطلاحی می‌شود و هم شامل تمام امت پیامبر ﷺ که از اعمال حسن سابقان تبعیت کردند. ثعلبی، مفسر اهل سنت، در رابطه با تفسیر «اتبعوهم باحسان» می‌گوید: «(الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ) یعنی الذین سلکوا سبیلهم فی الایمان و الهجرة و النصره الی یوم القیامة».^۳ برخی همچون ابن تیمیه،^۴ سیوطی،^۵ شوکانی^۶ و طبری^۷ نیز همین نظر را دارند. با توجه به مطالب مطرح شده، معلوم گردید که مراد از «تابعان» کسانی هستند که از اعمال نیک و حَسَن سابقان تبعیت می‌کنند و به تابعان بعد از صحابه

۱. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، ج ۲، ص ۴۵۶.

۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۲ ص ۲۹۱.

۳. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۸۳؛ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۴، ص ۲۷۲.

۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱۹ ص ۱۷۸.

۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۴، ص ۲۷۲.

۶. «و لیس المراد بهم: التابعین اصطلاحاً، و هم کل من أدرك الصحابة و لم یدرك النبی ﷺ، بل هم من جملة من یدخل تحت الآیة، فتكون "من" فی قوله من المهاجرین علی هذا للتبعیض». (شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، ج ۲، ص ۴۵۲).

۷. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۳، ص ۲۷۳.

(=تابعانِ اصطلاحی) منحصر نیست.^۱

در رابطه با قید «احسان» نیز مفسران بیان می‌کنند که قید «باحسان» بیان‌کننده این مطلب است که تبعیت بی‌چون‌وچرا از سابقان در عقیده و عمل صحیح نیست؛ بلکه از آنان باید در اعمال حسن تبعیت کرد. این مطلب خود‌گویای این است که تمام اعمال و عقیده سابقان صحیح نبوده^۲ و از آنجایی که عقیده متفرع بر فهم است، پس قطعاً فهم آنان به‌طور مطلق صحیح نبوده است.

۳. دلالت رضایت بر حجیت فهم سلف

با توجه به مطالبی که بیان شد معلوم می‌شود:

اولاً: رضایت موردبحث در آیه، رضایت دائمی تا قیامت نیست. «السابقون» مقید به ایمان، و تابعان مقید به تبعیت از اعمال حسن است. پر واضح است که هرکدام از این قیود منتفی شود، رضایتی که مبتنی بر آن است نیز منتفی خواهد شد.

ثانیاً: بر فرض ثبوت ادعای سلفیان، آیه صرفاً بر تبعیت دلالت دارد و مثبت حجیت فهم سلف نیست. به‌بیان دیگر، در صورت اثبات تلازم میان رضایت و حجیت فهم سلف، عمومیت و رسالت اسلام از بین می‌رود و باید اسلام را در ۱۴۰۰ سال پیش خلاصه کرد. این در حالی است که اسلام دینی برای تمام زمان‌هاست و به تفکر بسیار سفارش کرده است. لذا اساس استدلال سلفیان، که حجیت فهم سلف را لازمه رضایت دائمی می‌دانند، دچار لغزش می‌شود.

ثالثاً: این رضایت با سیاق خود آیه و آیات دیگر^۳ سازگاری ندارد؛ زیرا خداوند در آیه بعد،

۱. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدير، ج ۲، ص ۴۵۲.

۲. «يقتدون بهم في أعمالهم الحسنة ولا يقتدون بهم في غير ذلك». (نک: سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الدر المنثور في التفسیر بالمأثور، ج ۴، ص ۲۷۲؛ طبری، محمد بن جریر، جامع البیان في تأویل القرآن، ج ۱۴، ص ۴۳۷؛ فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۱۶، ص ۱۲۹).

۳. مثل آیه منع بیع در روز جمعه، که خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا زَاوَأُاُ بِتِجَارَةٍ أَوْ لَهْوًا اتَّفَعُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوا قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الزَّارِقِينَ﴾ یا آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصُمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنْ لَمْ يُهْدِ الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ یا آیه مربوط به مسجد ضرار که منافقان آن را بنا کردند (سوره توبه، آیه ۱۰۷) یا آیه ۱۴۴ سوره آل عمران که بر بازگشت مردم به گذشته در صورت مرگ پیامبر ﷺ دلالت دارد، و همچنین آیه ۵۷ سوره مائده که بر ارتداد مسلمانان دلالت دارد.

به مذمت منافقان می‌پردازد. بنابراین، امکان ندارد خداوند رضایت دائمی و حجیت فهم سلف را به‌طور مطلق تأیید کند، در حالی که در درون آنها منافقانی وجود دارند که شناخته‌شده نیستند.

رابعاً: در آیه موردنظر، مزد رضایت خداوند اعطای بهشت است که این نتیجه صرفاً منحصر در سبقت و تبعیت از سابقان در اسلام نیست؛ بلکه وعده به بهشت، وعده‌ای عام است که اسباب دیگری نیز برای رسیدن به آن وجود دارد؛ به همین دلیل، هر جا که سخن از بهشت باشد، سخن از عمل صالح نیز مطرح است.^۱

لذا آنچه از آیه فهمیده می‌شود این است که عده‌ای از سابقان به‌خاطر اسلام و ایمان و استقامت خود در این راه، مستحق بهشت هستند و این استحقاق بهشت، با حجیت فهم آنان تلازم ندارد؛^۲ زیرا اگر حجیت فهم هرکسی که مستحق وعده بهشت است، ثابت شود، باید فهم تمام مؤمنان نیز حجت باشد؛ چراکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا﴾. خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید که بهشت برای مؤمنان و کسانی است که عمل صالح انجام می‌دهند و خدا از آنها راضی است.^۳ بدیهی است که به‌هیچ‌عنوان از این رضایت و این وعده بهشت، حجیت فهم سلف ثابت نمی‌شود؛ بلکه ملاک و معیار نزد خداوند، فقط عمل صالح و تقواست.^۴

نتیجه

با بررسی‌های صورت‌گرفته معلوم شد که آیه ۱۰۰ سوره توبه، صرفاً در فضیلت صالحان از

۱. سوره بقره، آیه ۲۵؛ سوره نساء، آیه ۱۲۴.

۲. «و أيضا فإنه لا يجوز أن يكون هذا الوعد غير مشروط و أن يكون على الإطلاق إلا لمن علم عصمته و لا يجوز عليه شئ من الخطأ، لأنه لو عني من يجوز عليه الخطأ بالإطلاق و على كل وجه كان ذلك إغراء له بالقبیح و ذلك فاسد بالإجماع، و ليس أحد يدعي للمذكورين العصمة فبطل أن يكونوا معينين بالآية على الإطلاق». (طوسی، محمد بن حسن، الرسائل العشر، ص ۱۲۸).

به‌بیان دیگر، «سبقت» در آیه ۱۱۰ سوره توبه مطلق است و باید برای تفسیر آن به آیات دیگر قرآن همچون آیاتی که «سبقت» را به عمل صالح مقید کرده‌اند، رجوع کرد.

۳. سوره بینه، آیات ۷ و ۸: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ. جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ رَبَّهُ﴾.

۴. سوره حجرات، آیه ۱۳: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾.

صحابه، تا زمانی که بر منهج پیامبر ﷺ در عمل و عقیده باشند، قابل اثبات است؛ بنابراین، استناد به این آیه بر حجیت فهم سلف، صحیح نیست. به این دلیل که نه تنها آیه اخص از مدعاست و نمی‌تواند مدعای سلفیان را ثابت کند، بلکه با اشکالات فراوان دیگری از درون و برون آیه مواجه است؛ همچون ارجاع ندادن مسلمانان به فهم سلف در آیات دیگر، مخالفت این مدعا با آیات و روایات، ابهام در برخی از مفردات آیه، عدم تلازم میان رضایت الهی و حجیت فهم سلف، و همچنین وجود فرقه‌های ضاله و منافقان در این برهه زمانی.

كتابتنا

١. قرآن كريم.
٢. ابن عبد البر، يوسف بن عبدالله، الإستذكار؛ الجامع لمذاهب فقهاء الأمصار و علماء الأقطار، تحقيق: سالم محمد عطا و محمد على معوض، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢١ق.
٣. ابن تيمية، احمد بن عبد الحليم، مجموع الفتاوى، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدينه: مجمع الملك فهد، ١٤١٦ق.
٤. ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، زاد المسير في علم التفسير، تحقق: عبدالرزاق مهدي، بيروت: دار الكتاب العربي، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٥. ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم، الإمامة و السياسة، تحقيق: خليل منصور، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق.
٦. ابن قيم جوزيه، محمد بن ابى بكر، إعلام الموقّعين؛ عن رب العالمين، تحقيق: محمد عبدالسلام ابراهيم، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١١ق.
٧. آل بوطامى، احمد، العقائد السلفية بأدلتها النقلية و العقلية، قطر: مطابع على بن على، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٨. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخاري، تحقيق محمد زهير بن ناصر، بی جا: دار طوق النجاة، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٩. بريكان، ابراهيم، تعريف الخلف بمنهج السلف، بيروت: دار ابن الجوزي، چاپ اول، ١٤١٨ق.
١٠. بلاذرى، احمد بن يحيى، أنساب الأشراف، تحقيق: سهيل زكار و رياض زركلى، بيروت: دار الفكر، چاپ اول، ١٤١٧ق.
١١. بوطى، محمد سعيد رمضان، السلفية؛ مرحلة زمنية لا مذهب إسلامي، بيروت: دار الفكر، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
١٢. ترمذى، محمد بن عيسى، سنن الترمذى، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: دار الغرب الإسلامى، ١٩٩٨م.
١٣. ثعلبى، احمد بن محمد، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، تحقيق: ابومحمد بن عاشور، بيروت: دار إحياء التراث العربى، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
١٤. خراشى، سليمان بن صالح، شبهات عصرانية مع أجوبتها، رياض: دار الوحيين، چاپ اول، ١٤٣٠ق.
١٥. دمجى، عبدالله، شبهات العصرانيين الإسلاميين؛ حول اعتماد فهم السلف الصالح

للنصوص الشرعية، بي جا: بي نا، بي تا.

١٦. دميجى، عبدالله، **فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية؛ حقيقته وأهميته و حجيته**. رياض: مجلة البيان، چاپ اول، ١٤٣٧ق.
١٧. سعيدان، راشد بن وليد، **تذكير الخلف بوجوب اعتماد فهم السلف لأدلة الكتاب و السنة**. بي جا: بي نا، بي تا.
١٨. سقاف، حسن بن على، **صحيح شرح العقيدة الطحاوية؛ أو المنهج الصحيح في فهم عقيدة أهل السنة و الجماعة مع التنقيح**، عمان: دار الإمام النووي، چاپ اول، ١٤١٦ق.
١٩. سليم، عمرو عبدالمنعم، **المنهج السلفي عند الشيخ ناصر الدين الألباني**، بي جا: بي نا، بي تا.
٢٠. سيلي، سيد عبدالعزيز، **العقيدة السلفية**، مكة: المكتبة التجارية، چاپ اول، ١٩٩٣م.
٢١. سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر، **الدر المنثور فى التفسير بالمأثور**، بيروت: دار الفكر، بي تا.
٢٢. شوكانى، محمد بن على، **التحفة في مذاهب السلف**، تحقيق: محمد صبحى حسن حلاق، مصر: مكتبة ابن تيمية، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٢٣. شوكانى، محمد بن على، **فتح القدير؛ الجامع بين فنى الرواية و الدراية من علم التفسير**، بيروت: دار ابن كثير، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٢٤. طبرى، محمد بن جرير، **جامع البيان في تأويل القرآن**، تحقيق: احمد محمد شاكر، بي جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
٢٥. طوسى، محمد بن حسن، **الرسائل العشر**، قم: مؤسسة نشر اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ١٤١٤ق.
٢٦. علم الهدى، على بن حسين، **رسائل**، تحقيق: احمد حسيني، قم: دار القرآن الكريم، ١٤٠٥ق.
٢٧. فخر رازى، محمد بن عمر، **مفاتيح الغيب**، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ سوم، ١٤٢٠ق.
٢٨. قشبرى، عبدالكريم بن هوازن، **تفسير القشيري؛ المسمى لطائف الإشارات**، تحقيق: ابراهيم بسيونى، مصر: الهيئة المصرية، چاپ دوم، ١٤٢٨ق.
٢٩. مالكى، حسن، **قراءة في كتب العقائد؛ المذهب الحنبلي نموذجاً**، اردن: الدراسات التاريخية، ١٤٣٠ق.
٣٠. محمد باكريم محمد باعبدالله، **وسطية أهل السنة بين الفرق**، رياض: دار الراجية، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٣١. مغراوى، محمد بن عبدالرحمن، **المفسرون؛ بين التأويل و الإثبات في آيات الصفات**، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
٣٢. نيشابورى، مسلم بن حجاج، **صحيح مسلم**، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دار إحياء

التراث العربي، بی تا.

۳۳. یسری، محمد، علم التوحید عند أهل السنة و الجماعة، بی جا: بی نا، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.